

UlumhadithTwenty-seventh No 2
Summer (Jun-Sep 2022)**فصلنامه علمی علوم حدیث**سال بیست و هفتم شماره ۲ (پیاپی ۱۰۴)
بهار، ص ۳- ۲۴**اعتبارسنجی حدیث در اندیشه قاضی نعمان مغربی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۲

سید حسین فلاح زاده ابرقویی^۱
حمیدرضا فهیمی تبار^۲
محمدکاظم رحمان ستایش^۳**چکیده**

کهن ترین و مهم ترین میراث روایی فرقه اسماعیلیه، آثار قاضی نعمان مغربی است که مؤلف، آن‌ها را بر اساس مصادر روایی شیعیان به خامه آورده است. بازخوانی اندیشه قاضی نعمان درباره اعتبارسنجی روایات، تلاشی است برای شناخت میزان اعتبار میراثی از قرن چهارم، که با عنوان حدیث اسماعیلیه شناخته می‌شود. برای این منظور، افزون بر تحلیل مدعای مؤلف مبنی بر صحت روایات آثارش، اندیشه صحیح نگاری او با کاوش کامل در کتاب‌های دعائم الاسلام، الايضاح و شرح الاخبار وی مورد بررسی قرار گرفته و با ارائه نمونه‌های تطبیقی تحلیل شده است. مهم ترین رسالت این نوشتار، کشف و تحلیل معیارهای اعتبار حدیث از نگاه مؤلف است. بر اساس این پژوهش، مؤلف بیش از آن که معیارهایی برای اثبات صدور روایات از اهل بیت علیهم‌السلام در نظر داشته باشد، تلاش خود را بر بیان مراد واقعی اهل بیت علیهم‌السلام، غالباً از طریق جمع بین روایات مختلف، متمرکز ساخته است.

کلید واژه‌ها: قاضی نعمان، دعائم الاسلام، الايضاح، شرح الاخبار، حدیث اسماعیلیه، اعتبارسنجی.

مقدمه

عالمان امامیه تا پیش از دوران صفویه، قاضی نعمان مغربی (م ۳۶۳ق) را به عنوان یک

۱. دانشجوی دکتری (fallahzadeh.h@gmail.com).

۲. دانشیار، عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول) (fahimitabar@kashanu.ac.ir).

۳. دانشیار، عضو هیئت علمی دانشگاه قم (kr.setayesh@gmail.com).

عالم اسماعیلی مذهب می‌شناختند. به همین دلیل، آثار وی در حوزه‌های امامیه مورد توجه قرار نمی‌گرفت و به آن‌ها استناد نمی‌شد. پس از آن، برخی با امامی دانستن وی، محتوای آثارش را از تراث امامیه قلمداد نمودند.^۱ بعد از آن، آثار روایی قاضی نعمان، به ویژه دعائم الاسلام، به حوزه‌های امامیه راه یافت و کم و بیش، مورد توجه قرار گرفت. در عین حال، ظهور دیر هنگام این آثار در میان امامیه و نیز بحث مذهب مؤلف، چالش‌هایی را برای استناد به آن‌ها در پی داشته است؛ مثلاً درباره‌ی انتساب کتاب دعائم الاسلام به قاضی نعمان^۲ و نیز اعتماد به مؤلف این کتاب^۳ تردیدهایی مطرح بوده است.

در این نوشتار، برای قضاوت درست درباره‌ی آثار قاضی نعمان مغربی، اندیشه‌ی حدیثی او با روش مطالعات اندیشه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است. به بیان دیگر، با تحلیل دقیق آثار مؤلف و کشف مبانی و دیدگاه‌های او تلاش می‌شود دریچه‌ای نو برای قضاوت در مورد میراثی کهن گشوده گردد. تلاش بر آن است که با نگاه نقد درونی، به پرسش‌هایی درباره‌ی عملکرد و مبانی مؤلف در حوزه‌ی اعتبارسنجی حدیث پاسخ داده شود. مهم‌ترین سؤالات این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. چرا مؤلف با وجود اهتمام به ذکر اسناد و مصادر روایات در کتاب الايضاح، روایات دعائم الاسلام را به صورت مرسل گزارش کرده است؟
۲. مراد مؤلف از شهادت به ثابت و صحیح بودن اخبار در آثارش چیست؟
۳. معیارهای اعتبار خیر در اندیشه‌ی مؤلف چه بوده است؟
۴. نقش خلفای فاطمی در تصحیح آثار او به چه میزان است؟

پیش از این، پژوهش‌های ارزشمندی درباره‌ی قاضی نعمان و آثار وی صورت گرفته که عمدتاً درباره‌ی مذهب او هستند؛ نظیر پژوهش محدث نوری در خاتمة مستدرک الوسائل، «قاضی نعمان و مذهب او» نوشته‌ی امیر جوان آراسته، «دعائم الاسلام از ورای دیدگاه‌ها» از سید مجتبی حسینی نژاد و تلاش‌های پراکنده‌ای که توسط فقهای امامیه صورت گرفته

۱. رک: خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱ ص ۱۲۸.

۲. علامه مجلسی در این باره می‌نویسد: «کتاب دعائم الاسلام قد کان أكثر أهل عصرنا یتوهمون أنه تألیف الصدوق رحمه الله» (رک: بحار الأنوار، ج ۱ ص ۳۸).

۳. به عنوان نمونه صاحب الحدائق الناضرة، پس از ذکر روایتی از کتاب دعائم الاسلام، درباره‌ی آن می‌نویسد: «ان الكتاب المذكور لم یثبت الاعتماد علی مصنفه» (الحدائق الناضرة، ج ۲ ص ۴۴).

است. از پژوهش‌هایی که از نظر روشی به تلاش حاضر نزدیک است، می‌توان به مقاله «قاضی نعمان و فقه اسماعیلی» اشاره نمود که توسط نویسنده اسماعیلی مذهب با نام پونا والا نگارش یافته است.^۱

تلاش پیش‌روگامی نودر شناخت معیارهای اعتبارسنجی حدیث در اندیشه قاضی نعمان است که با استفاده از مطالعات مروری در حوزه آثار روایی قاضی نعمان سامان یافته است.

۱. آثار روایی قاضی نعمان

۱-۱. الايضاح

کتاب الايضاح، نخستین و مفصل‌ترین کتاب قاضی نعمان در فقه است که یک دوره کامل فقه روایی را در بر گرفته است. براساس ادعای مؤلف، وی در این کتاب، تمام مستندات فقهی را که نسبت به صدور آن‌ها اطمینان دارد، گرد آورده و تلاش نموده با توضیح اختلافاتی که در نقل‌های راویان وجود دارد، فتاوی خود را تبیین کند. او در کتاب القصيدة المنتخبة، درباره جامعیت الايضاح چنین سروده است:

و كنت قد جمعتُ عن آبائه في الفقه ما اوعبت في استقصائه
ثم تدبرْتُ الذي جمعته فكان فيه كل ما أردتُه^۲

نکته حائز اهمیت درباره کتاب الايضاح این است که مؤلف سایر آثار فقهی خود را با تکیه بر این کتاب نوشته است. او ابتدا الايضاح را به صورت مفصل، براساس روایات راویان اهل بیت علیهم‌السلام، همراه با اسناد، مصادر و ادله قول برگزیده نوشته و آنگاه براساس این کتاب، دیگری با نام الاخبار تنظیم نموده است که در آن اسناد و ادله و فروع را نیاورده است. پس از آن، کتاب الاقتصار را به صورت مجمل نوشته که در آن به گردآوری نظر نهایی خود در موضوعات بسنده کرده است. یک بار هم این کتاب را به صورت نظم در آورده و نام آن را القصيدة المنتخبة نهاده است.^۳ هر چند ممکن است در آثار بعدی، تغییراتی در فتاوی او پیدا شود، ولی آن‌ها را با تکیه بر مطالب مستند موجود در الايضاح می‌نگارد. این قاعده در مورد تمام آثار فقهی قاضی نعمان، - که بعد از الاقتصار و المنتخبة نگارش یافتند - نیز جاری است.

۱. رک: تاریخ و اندیشه‌های اسماعیلی در سده‌های میانه، ص ۱۵۰.

۲. رک: الايضاح، ص ۷.

۳. رک: الاقتصار، ص ۱۰.

۲-۱. دعائم الاسلام

مهم ترین کتاب قاضی نعمان - که موجب توجه فقها و محدثان امامیه به این شخصیت شده و گروهی را بر آن داشته تا وی را براساس آن، امامی مذهب بخوانند - دعائم الاسلام است. این کتاب را می توان رساله عملیه قاضی نعمان نامید؛ چرا که به تصریح وی، در این کتاب به بیان «ثابت» اکتفا شده است.^۱ در کلمات مؤلف، مراد از ثابت، بیان فتاوی است که حجیت آن ها نزد وی ثابت شده است.^۲ از سویی، با توجه به اهتمام خلفای فاطمی در تشویق مردم به خواندن دعائم الاسلام و تلاش برای نشر آن در میان مردم،^۳ شایسته است آن را کتاب قانون اسماعیلیه و منشور دولت فاطمیون بخوانیم. در هر صورت، این کتاب مهم ترین کتاب فقه و حدیث اسماعیلیه است که فقه اسماعیلیه با آن به اوج خود رسیده و همچنان بر محور آن استوار مانده است.

۳-۱. شرح الاخبار

کتاب شرح الاخبار جنبه کلامی دارد و تمرکز آن بر بیان فضایل اهل بیت علیهم السلام است. به همین دلیل معیار مؤلف در گزینش و اعتبارسنجی روایات آن، با دو کتاب دیگر تفاوت دارد. مؤلف در این کتاب، برخلاف دو کتاب دیگر، تفکر مقابل شیعه را در نظر گرفته و برای اثبات فضایل اهل بیت علیهم السلام، به مرویات اهل سنت درباره فضایل ایشان نیز بها می دهد؛ در حالی که در دو اثر پیشین، به شدت از روایات اهل سنت پرهیز دارد. هر چند در این پژوهش، کتاب شرح الاخبار به طور کامل مورد بررسی قرار گرفته است، ولی به دلیل فضای حاکم بر آن، نکته چشم گیری در حوزه اعتبارسنجی روایات به دست نیامد.

۲. رابطه دعائم الاسلام و الايضاح

قاضی نعمان کتاب دعائم الاسلام را، همچون سایر آثار فقهی خود، براساس کتاب الايضاح مرتب نموده و مطالب آن را از روایات الايضاح برگزیده است. او در کتاب دعائم الاسلام، به بیان روایات مطابق با فتاوی خود اکتفا کرده و از بیان اسناد، مصادر، اختلافات و براهین قول برگزیده خودداری نموده است. در حقیقت، روش وی در کتاب دعائم، براختصار

۱. دعائم الاسلام، ج ۱ ص ۲.

۲. در ادامه این نوشتار، قراین متعددی بر این مطلب ارائه شده است.

۳. رک: المجالس و المسایرات، ص ۳۰۵، رقم ۱۵۸؛ کشف الظنون، ج ۱ ص ۷۵۵.

است و تفصیل مطالب را به کتاب بزرگ خود، یعنی الايضاح حواله داده است.^۱ مقایسه تطبیقی مطالب دعائم الاسلام در باب «صلاة» با بخش بازمانده الايضاح، مؤید این است که قاضی نعمان چکیده‌ای از روایات الايضاح را در دعائم الاسلام آورده است. مؤلف از هر باب کتاب الايضاح - که حاوی روایات متعدد همراه با اسناد و مصادر و برهان قول برگزیده است - تنها یک یا چند روایت را بدون ذکر سند و مصدر، در دعائم الاسلام گزارش کرده است.^۲ بر همین اساس، احادیث دعائم الاسلام با اعتماد بر الايضاح، به صورت مرسل گزارش شده‌اند. در حقیقت، مؤلف، آن‌ها را از میان روایات مُسند و دارای مصدر برگزیده و سپس، مضامین ثابت و مورد قبول را، به صورت مختصر گزارش نموده است.

اختصارنویسی در دعائم الاسلام، تنها با حذف اسناد و مصادر نیست. هدف مؤلف آن است که در دعائم الاسلام، قول ثابت و مراد اصلی شریعت را در هر موضوع بیان کند. به عبارت دیگر، او در نظر دارد کتابش حاوی حلال، حرام و سایر قوانین شریعت نظیر احکام بیع، نکاح، ارث، شهادت و ... باشد.^۳ از این رو، در صدد گزارش لفظ روایات نیست و مضامین مورد نظر خود را در قالب‌های گوناگون گزارش می‌کند. گاهی قسمت‌های مورد نظر از روایات متعدد را به صورت یک روایت گزارش نموده است؛ مثلاً در دعائم الاسلام، درباره بالا بردن دست‌ها در ابتدای نماز، از امام صادق علیه السلام چنین روایت می‌کند:

إذا افتتحت الصلاة فارفع كفيك، ولا تجاوز بهما أذنيك، و ابسطهما بسطا، ثم كبر.^۴

این عبارت، الفاظ برگزیده سه روایت از سه منبع مختلف است که مؤلف، عبارت «إذا افتتحت الصلاة فارفع كفيك» را از کتاب المسائل حلبی، عبارت «ولا تجاوز بهما أذنيك» را از کتاب یوم و لیلة، و عبارت «و ابسطهما بسطا ثم كبر» را از جامع حلبی آورده است.^۵

۱. در کتاب دعائم الاسلام، پس از بیان دیدگاه برگزیده خود درباره موجبات وضو، بیان تفصیلی مطالب را به کتاب بزرگ خود حواله می‌دهد. کتاب بزرگی که در اینجا از آن یاد نموده، همان کتاب الايضاح است که وی دعائم را برگزیده و خلاصه آن معرفی می‌کند (رک: دعائم الاسلام، ج ۱ ص ۱۰۳).

۲. به عنوان نمونه، در الايضاح، ذیل عنوان «جماع ابواب الامامة»، ده باب منعقد ساخته است (رک: الايضاح، ص ۱۰۷ - ۱۲۲). در مقابل، در دعائم الاسلام، فقط یک باب با عنوان «ذکر الامامة» تنظیم نموده که در آن، فقط روایات برگزیده هریک از ابواب ده گانه الايضاح را، به ترتیب همان عناوین آورده است. (رک: دعائم الاسلام، ج ۱ ص ۱۵۱ - ۱۵۲).

۳. رک: دعائم الاسلام، ج ۱ ص ۲.

۴. همان، ج ۱ ص ۱۵۷.

۵. الايضاح، ص ۱۳۶ - ۱۳۷.

از سویی در بسیاری از موارد، در بیان نظر برگزیده خود، از شیوه نقل به معنا استفاده نموده است؛ مثلاً در الايضاح درباره نماز خواندن زن‌ها با مردها در یک مکان، شش روایت از کتاب حماد، کتاب الجامع طاهر بن زکریا، کتاب المسائل حسین بن علی گزارش نموده است.^۱ در دعائم الاسلام، خلاصه‌ای از این روایات را به روش نقل به معنا، به عنوان قول ثابت آورده است. در حقیقت، آنچه در دعائم آمده، مضمون گزیده چند روایت است که به شکل روایت واحد گزارش شده است.^۲

بنابراین، دعائم الاسلام، حاصل جمع بندی قاضی نعمان در هر یک از ابواب کتاب الايضاح بوده است. در واقع، مؤلف، کتاب الايضاح را مصدر اصلی دعائم الاسلام قرار داده است. از این رو، کتاب الايضاح، کلید فهم دعائم الاسلام و راز اندیشه قاضی نعمان در ساماندهی مطالب آن است.

۳. شهادت مؤلف بر اعتبار اخبار آثارش

قاضی نعمان از جمله مؤلفانی است که در موارد متعدد بر معتبر بودن مرویات آثار خود شهادت داده است.^۳ مهم‌ترین شهادت او، عبارتی است که وی در آغاز دعائم الاسلام درباره اعتبار کتابش نوشته است:

نقتصر فيه على الثابت الصحيح مما روينا عن الأئمة من أهل بيت رسول الله ﷺ من جملة ما اختلفت فيه الرواة عنهم.^۴

افزون بر این، در دو جای دیگر از دعائم الاسلام تأکید نموده که بنای او در این کتاب، بر بیان اخبار «ثابت» است.^۵

برخی از علما و فقهای امامی مذهب، شهادت قاضی نعمان بر صحت روایات دعائم الاسلام را از ادله اعتبار روایات موجود در این کتاب بر شمرده‌اند و بر این باور هستند که این شهادت، قابلیت دارد ارسال اسناد دعائم الاسلام را جبران کند. محدث نوری در خاتمه مستدرک الوسائل می‌نویسد:

۱. همان، ص ۱۳۴.

۲. دعائم الاسلام، ج ۱ ص ۱۵۶.

۳. رک: الاقتصار، ص ۱۰؛ شرح الاخبار، ج ۱ ص ۸۷؛ دعائم الاسلام، ج ۱ ص ۲.

۴. دعائم الاسلام، ج ۱ ص ۲.

۵. رک: همان، ج ۱ ص ۱۰۳؛ ج ۲ ص ۳۹۳.

از شهادت قاضی نعمان در ابتدای کتاب دعائم الاسلام فهمیده می‌شود که وی جز اخبار ثابت و صحیح ائمه علیهم‌السلام را در این کتاب نیاورده است.^۱

آیه الله اراکی درباره ارسال احادیث دعائم نوشته‌اند:

عیب ناشی از ارسال احادیث این کتاب، به خاطر تصریح مؤلف بر اکتفا به اخبار ثابت و صحیح بر طرف می‌شود.^۲

آیه الله خوبی نیز، دلالت کلام مؤلف بر اعتبار اخبار کتاب و وثاقت راویان آن را در فرض قبول وثاقت مؤلف پذیرفته‌اند؛ ولی معتقدند چون ما به ملاک‌های مؤلف در تصحیح روایات آگاه نیستیم، نمی‌توانیم به این شهادت استناد کنیم.^۳ بنابراین، از نگاه ایشان، هر چند شهادت مؤلف ارسال اسناد را جبران می‌کند، ولی شهادت او برای خودش حجت است، نه برای ما.

نکته حائز اهمیت این است که قاضی نعمان برای بیان اعتبار مطالب کتابش از کلمه «ثابت» بهره گرفته و تأکید دارد کتاب‌هایش را با هدف دست یابی به مطالب ثابت ساماندهی کرده است. در نگاه نخست، مراد از واژه ثابت روشن نیست و مؤلف در جایی، پیرامون دلالت این واژه سخن نگفته است. به همین دلیل، کسانی که شهادت قاضی نعمان در ابتدای کتاب دعائم الاسلام را تحلیل نموده‌اند، این واژه را معادل «صحیح» دانسته و فرقی بین این دو واژه قائل نشده‌اند.

تأمل در کلمات قاضی نعمان نشان می‌دهد در اندیشه او بین واژگان صحیح و ثابت تفاوت وجود دارد. از نگاه عالمان متقدم امامیه، حدیث صحیح آن است که نسبت به صدور آن از معصوم علیه‌السلام اطمینان حاصل شود؛ چه منشأ این اطمینان وثاقت روات باشد و چه قراین دیگر.^۴ در حالی که واژه ثابت در کلمات نعمان، معنایی غیر از این دارد. واژه ثابت در کلمات او در موارد زیر به کار رفته است:

۳-۱. وصف برای محتوای حدیث، نه صدور آن

در مواردی که مؤلف، نسبت به صدور روایت اختلافی اطمینان دارد، تلاش می‌کند تا

۱. رک: خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱ ص ۱۵۷.

۲. کتاب الصلاة، ج ۱ ص ۴۰۰.

۳. مصباح الفقاهة، ج ۱ ص ۴۳.

۴. رک: مشرق الشمسین، ص ۲۶۹.

اختلاف بین آن‌ها را برطرف ساخته و فهم درستی از مجموع آن دو ارائه کند. در این صورت، نتیجه بحث را با واژه «ثابت» توصیف می‌کند؛ به عنوان نمونه، در الايضاح، درباره کسی که به تنهایی پشت صف جماعت به نماز می‌ایستد، دو دسته روایت نقل کرده که یکی این عمل را جایز می‌داند و دیگری جایز نمی‌داند.^۱ چون روایات هر دو دسته را از نظر صدور صحیح می‌داند، از هر دسته یک روایت را در دعائم الاسلام نقل کرده و در پایان بین آن‌ها جمع نموده است. در واقع، این جمع، قول ثابت او به شمار می‌آید.^۲ بنابراین، مراد از بیان قول ثابت، برگزیدن یک روایت صحیح و کنار نهادن سایر روایات نیست، بلکه گاهی به جمع بین دو روایت اختلافی و برگزیدن دیدگاه صحیحی که از مجموع آن‌ها برداشت می‌شود، «ثابت» گفته است.

۳-۲. وصف برای مضمون چند روایت

مراد از ثابت، لزوماً لفظ یک روایت نیست، بلکه در بسیاری از موارد، محتوای مورد قبول یک یا چند روایت را به عنوان ثابت، در دعائم الاسلام گزارش کرده است؛ مثلاً در الايضاح، سه روایت از امام علی و امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام همراه با ذکر سند آورده است که بر اساس آن‌ها کسی که نمازش را قبل از وقت بخواند باید اعاده کند.^۳ در دعائم الاسلام، به جای ذکر الفاظ این روایات، مضمون همه آن‌ها را با تعبیر «أنهم قالوا» به صورت خلاصه گزارش کرده است.^۴ با توجه به این که هدف او در دعائم الاسلام، نقل مطالب «ثابت» است، معلوم می‌شود مراد او از ثابت، مضامینی از روایات است که از نظر او درست و مطابق با واقع هستند. در واقع، مراد از ثابت، «محتوای صحیح» است؛ چه محتوای یک روایت و چه محتوای برگزیده شده از روایات متعدد.

۳-۳. وصف برای حجت شرعی

از نگاه قاضی نعمان، ثابت امری است که عمل به آن، به منزله عمل به وظیفه شرعی

۱. الايضاح، ص ۱۳۱.

۲. رک: دعائم الاسلام، ج ۱ ص ۱۵۵.

۳. الايضاح، ص ۵۷ - ۵۸.

۴. دعائم الاسلام، ج ۱ ص ۱۴۱. همچنین - چنان که پیش تر گفتیم - درباره نماز خواندن زنها با مردان در یک مکان، چند روایت در الايضاح آورده که خلاصه آن‌ها را به عنوان قول ثابت در دعائم الاسلام نقل نموده است. آنچه در دعائم الاسلام نقل شده، چکیده چند روایت است که به شکل یک روایت گزارش شده است. (رک: الايضاح، ص ۱۳۴؛ دعائم الاسلام، ج ۱ ص ۱۵۶)

است. درباره کیفیت قرائت «بسم الله الرحمن الرحيم» در نماز، روایات متعددی ذکر نموده که بر جهری خواندن تأکید دارند. در پایان باب، یک روایت برخلاف سایر روایات آورده که اخفاتی بودن را بیان نموده است. وی در توضیح این روایت می نویسد:

الذی جاء من الروایات قبل هذا هو الثابت و علیه العمل.^۱

از اینجا معلوم می شود که ثابت، امری است که باید مورد عمل قرار گیرد.

همچنین گاهی قول ثابت را با واژه «حجت» توصیف نموده است؛^۲ در حالی که هر امری که نسبت به صدور آن اطمینان داشته باشیم، لزوماً وظیفه شرعی نیست و نمی توان آن را ثابت دانست. از این رو، در عبارات قاضی نعمان، ثابت بودن با صحیح بودن تفاوت دارد. ثابت، مراد واقعی شریعت و حجت شرعی در یک موضوع است که از یک یا چند روایت فهمیده می شود و انکار آن جایز نیست.

به بیان دیگر، ثابت گزاره ای است که محتوای آن، مطابق با دیدگاه واقعی اهل بیت علیهم السلام باشد و حجیت آن نزد او ثابت باشد. در مقابل، او برای اشاره به اعتبار روایت و صحت صدور آن، از واژه «صحیح» استفاده می کند.

درباره رابطه ثابت و صحیح در نگاه قاضی نعمان می توان گفت که او هر ثابتی را برگرفته از روایات صحیح می داند؛ چون معنا ندارد مراد واقعی اهل بیت علیهم السلام را از روایتی که صدور آن ثابت نشده به دست آورد. از سویی هر روایت صحیحی را ثابت نمی داند؛ چون صدور قطعی حدیث، به معنای مطابقت آن با مراد واقعی نیست؛ به عنوان مثال، درباره قرائت «بسم الله الرحمن الرحيم» در نماز، روایتی نقل نموده که کیفیت قرائت را اخفاتی بیان می کند. قاضی این روایت را صحیح می داند، ولی ثابت نمی داند. از نگاه او، این گونه روایات به خاطر وجوهی مثل تقیه صادر شده اند.^۳ به همین دلیل در مقام عمل، به روایات مخالف آن توجه می کند.^۴

۱. الايضاح، ص ۱۵۹.

۲. رک: الايضاح، ص ۱۱۷.

۳. الايضاح، ص ۱۵۹.

۴. نمونه دیگر، روایتی است که درباره اندازه مناره مساجد، در الايضاح از کتب جعفریه نقل نموده که آن را صحیح می شمارد و در عین حال، محتوای آن را مطابق با قول پسندیده و ثابت نمی داند و درباره آن می نویسد: «و العمل علی غیر هذا». از سویی، چون روایت را از جهت صدور صحیح می داند، به توجیه مضمون آن مطابق با قول ثابت می پردازد (رک: الايضاح، ص ۸۸). همین روایت را همراه با توضیحات مذکور در الايضاح، به عنوان قول ثابت در دعائم الاسلام گزارش نموده است (رک: دعائم الاسلام، ج ۱ ص ۱۴۷). معلوم می شود هر صحیحی را ثابت نمی داند.

با توجه به آنچه گذشت، دعائم الاسلام در بردارنده فتاوی قاضی نعمان است که در تنظیم متن آن‌ها، گاهی از الفاظ روایات استفاده کرده و گاهی از قلم خود بهره گرفته است. از این رو، شایسته نیست شهادت او درباره مطالب کتابش را مستندی برای صحت روایات قرار داد. تنها مطلبی که از شهادت قاضی نعمان برداشت می‌شود، این است که او فتاوی خود را با اعتماد بر روایاتی که خود، آن‌ها را صحیح می‌داند، نوشته است. همان طور که پیش از این اشاره شد، قاضی نعمان، نگارش دعائم الاسلام را با اعتماد بر روایات الايضاح انجام داده است. از این رو، مبانی اعتبار حدیث در اندیشه او را باید در کتاب الايضاح جستجو نمود.

۴. روایات الايضاح در سنجۀ اعتبار

پیش از این اشاره شد که شروع فعالیت فقهی - حدیثی قاضی نعمان با کتاب الايضاح بوده و او سایر آثار را با تکیه بر این کتاب به نگارش آورده است. بررسی عملکرد او حاکی از تلاش وی برای گردآوری اخبار صحیح اهل بیت علیهم السلام در این کتاب است. او در ابتدا تمام روایاتی را که نسبت به صدور آن‌ها از اهل بیت علیهم السلام اطمینان داشته، گرد آورده و در ابواب متعدد تنظیم نموده است. سپس بر اساس این روایات، به بیان فتاوی خود - که آن‌ها را قول ثابت می‌خواند - پرداخته است.^۱ بر اساس شواهد زیر، قاضی نعمان تمام روایات الايضاح را از ناحیه صدور صحیح می‌داند:

۴-۱. قول ثابت، فقط از روایات صحیح به دست می‌آید

تلاش قاضی نعمان در الايضاح بر آن است تا بر اساس دو دسته از روایات، قول ثابت را تبیین کند: روایات اجماعی و روایات اختلافی. از آنجا که روایات اجماعی در بیان قول ثابت هماهنگ هستند، برای استناد به آن‌ها به استدلال و برهان نیاز نیست. در مقابل، تبیین قول ثابت از روایات اختلافی به برهان و استدلال نیاز دارد. به همین دلیل، درباره این دسته از روایات می‌نویسد:

بیت الثابت من ذلك بالدلائل والبراهین.^۲

مطالعه تطبیقی کتاب الايضاح نشان می‌دهد که مراد مؤلف از استدلال و برهان، تلاش

۱. رک: الاقتصار، ص ۱۰.

۲. همان.

برای شرح و تبیین روایاتی است که با سایر روایات آن موضوع، اختلاف ظاهری دارند. مؤلف در این کتاب تلاش می‌کند با ارائه فهم صحیح از روایات اختلافی و ایجاد جمع بین آن‌ها قول ثابت را روشن سازد. وی در کتاب القصيدة المنتخبة به این مطلب در قالب شعر اشاره نموده است:

حکیت فیها علل اختلافهم حکایة المحتج لائتلافهم
و جئت بالشاهد والبرهان لثابت القول مع التبیان.^۱

از اینجا معلوم می‌شود که وجود اختلاف بین روایات کتابش را به منزله صحیح نبودن یک دسته از روایات نمی‌داند. لذا تلاش می‌کند با بیان علل اختلاف، تلاشی شایسته برای رفع آن و ایجاد جمع بین روایات انجام دهد. این شیوه برخورد با روایات اختلافی نشان‌گر آن است که در نگاه مؤلف، ارزش صدوری روایات اختلافی، در ردیف روایات اجماعی است. به بیان دیگر، مؤلف این روایات را همانند روایات اجماعی، صحیح می‌داند. به همین دلیل، تلاش می‌کند قول ثابت را از آن‌ها استخراج کند. در غیر این صورت، معنا ندارد قول ثابت را از روایات غیر صحیح به دست آورد. بنابراین، وجود اختلاف بین روایات، به معنای صحیح بودن یک دسته و صحیح نبودن دسته دیگر نیست.

همچنین بر اساس عبارت «بیت الثابت من ذلك بالدلائل والبراهین»، استدلال‌ها و برهان‌های الايضاح، برای برگزیدن روایات صحیح نیست، بلکه برای انتخاب قول ثابت است.

۴-۲. گردآوری روایات الايضاح از روایان ثقه

چنان که پیش تر گفتیم، قاضی نعمان پس از تألیف الايضاح، کتاب‌های متعددی از آن استخراج نمود؛ از جمله با گردآوری فتاوی نهایی خود، کتاب مختصری با نام الاقتصار به نگارش آورد که در آن روایات و اسناد و اختلافات را حذف نمود. سپس مطالب آن را در قالب شعر به نگارش آورد و آن را القصيدة المنتخبة نامید. وی درباره کتاب اخیر خود، چنین سروده است:

سمیْتُها إذ تمَّتِ المنتخبة لأننی انتخبْتُها للطلبة
من قول أهل البيت إذ جمعته عن الثقة بعد أن صَنَّفْتُه.^۲

۱. رک: الايضاح، ص ۷.

۲. رک: الايضاح، ص ۹.

کتابی که در آن قول اهل بیت علیهم السلام را از ثقات جمع آوری و سپس محتوای این قصیده را از آن انتخاب نموده، همان کتاب الایضاح است. از این جا روشن می شود تلاش نعمان در الایضاح برای ذکر اسناد و مصادر روایات به صورت کامل، برای آن است که اطمینان خود به صدور روایات کتابش را نشان دهد.

۳-۴. جمع بین صحت صدور و محتوای غیر قابل قبول

با وجودی که قاضی نعمان، محتوای برخی روایات الایضاح را درست نمی داند، آن ها را از نظر صدور، صحیح دانسته و تلاش نموده مضمون آن ها را توجیه کند؛ به عنوان مثال، درباره اندازه مأذنه مساجد، روایتی از کتب جعفریه نقل نموده و درباره محتوای آن نوشته است:

والعمل علی غیر هذا.

در عین حال، چون روایت را صحیح می داند، به توجیه محتوای آن پرداخته و آن را مطابق با قول ثابت شرح داده است.^۱ از آنجا که این روایت همراه با توضیحاتی مطابق با قول ثابت است، در دعائم الاسلام آن را همراه با توضیحاتش نقل نموده است.^۲

از سویی در برخی موارد، مضامین نادرست روایات کتابش را ناشی از عوامل ایجاد اختلاف بین راویان، نظیر تقیه، عنوان نموده است؛ مثلاً در الایضاح، درباره کیفیت اذان و اقامه روایاتی را نقل نموده که فاقد جمله «حی علی خیر العمل» هستند.^۳ وی روایات فاقد این جمله را از نظر صدور رد نکرده و علت حذف این جمله در آن ها را شرایطی نظیر تقیه عنوان نموده که اختلاف بین راویان را در پی داشته اند،^۴ در حالی که اگر نسبت به صدور چنین روایاتی اطمینان نداشت، آن ها را جعلی می خواند و از نقل آن ها در کتابش خودداری می کرد.

۴-۴. صحیح تر دانستن یکی از دو قول متنافی

در کتاب الایضاح، گاهی یکی از دو قول متنافی را «أصح» خوانده است. در این موارد، با وجود اختلاف جدی بین روایات و برگزیدن یکی از آن دو، روایت طرف مقابل را جعلی نخوانده است؛ به عنوان نمونه، درباره اقتدا کردن به ناصبی در نماز، دو روایت نقل نموده که یکی بر جواز اقتدا و دیگری بر عدم جواز دلالت دارد. وی درباره قول اول می نویسد: «الاول

۱. رک: همان، ص ۸۸.

۲. رک: دعائم الاسلام، ج ۱ ص ۱۴۷.

۳. الایضاح، ص ۶۰ - ۶۱.

۴. همان، ص ۶۲.

أصحّ، و علیه العمل».^۱ صحیح تربودن یکی از دو قول به این معنا است که هر دو از جهت صدور صحیح هستند؛ ولی قول صحیح تر، افزون بر آن، صحت مضمونی دارد و بیان گر قول ثابت است. به همین دلیل، می توان به عنوان حجت شرعی به آن عمل نمود.^۲

۴-۵. استعمال لفظ «کرهوا» در بیان قول ثابت

در دعائم الاسلام برای بیان دیدگاه ثابت اهل بیت علیهم السلام، بارها از لفظ «کرهوا» استفاده شده است. تطبیق این موارد با روایات باب مشابه آن ها در الايضاح، حاکی از وجود تنافی بین روایات آن موضوع است؛ به طوری که در آن موضوع، دو روایت کاملاً مخالف در مقابل هم قرار دارند. در این موارد، محتوای یکی از دو روایت را به عنوان قول ثابت برگزیده و روایت طرف مقابل را، با واژه کراهت به اهل بیت علیهم السلام نسبت داده است؛ در حالی که اگر نسبت به صدور روایت مقابل قول برگزیده اطمینان نداشت، آن را به کلی رد می نمود.^۳

با توجه به این شواهد، قاضی نعمان تمام روایات الايضاح را از ناحیه صدور صحیح می داند. از این رو، تألیفاتی نظیر الاخبار، الاقتصار، دعائم الاسلام و ... - که با تکیه بر این کتاب نوشته شده اند - همگی بر پایه روایات صحیحه سامان یافته اند. بنابراین، وجه مشترک آثار روایی او در حوزه فقه، اعتماد بر روایات صحیحه است؛ هر چند ممکن است در برخی مسائل، به دلیل تغییر ملاک انتخاب قول ثابت، تفاوت هایی پیدا شود. از اینجا معلوم می شود که قاضی نعمان برای سنجش احادیث از معیارهایی بهره گرفته که برخی برای تصحیح خبر و برخی برای تشخیص قول ثابت هستند. به تعبیری، او برای تشخیص حدیث صحیح ضوابطی در نظر دارد که با ضوابط تشخیص قول ثابت متفاوت هستند. به همین دلیل شناخت اندیشه قاضی نعمان در سنجش اعتبار احادیث، از دو ناحیه باید مورد

۱. همان، ص ۱۲۲.

۲. همچنین گاهی روایت برگزیده را با تعبیر «أولی الروایات» (رک: همان، ص ۸۶) مطرح نموده که نشان می دهد از نگاه او روایات مخالف آن نیز صحت صدوری دارند و بحث در صحت مضمون و انتخاب قول ثابت است.

۳. به عنوان نمونه، در دعائم الاسلام درباره گفتن لفظ «آمین» بعد از قرائت حمد در نماز نوشته است: «کرهوا صلوات الله علیهم أن یقال بعد فراغ فاتحة الكتاب "آمین" كما تقول العامة» (دعائم الاسلام، ج ۱ ص ۱۶۰). در کتاب الايضاح، بابی را به این موضوع اختصاص داده که در آن، روایاتی بر جواز و عدم جواز گفتن آمین آورده و قول عدم جواز را أصح و أثبت خوانده است (الایضاح، ص ۱۶۱ - ۱۶۳). از آنجا که برگزیدن قول عدم جواز، به معنای جعلی بودن قول جواز نیست، در دعائم الاسلام از آن با تعبیر کراهت یاد نموده است. نسبت دادن قول جواز به اهل بیت علیهم السلام در دعائم، نشان می دهد این قول را از نظر صدور صحیح می داند.

بررسی قرار گیرد: نخست معیارهای وی در تصحیح حدیث و دیگر، معیارهای وی برای برگزیدن قول ثابت.

۵. ملاک‌های صحت خبر در اندیشه قاضی نعمان

۵-۱. وجود روایت در کتب منسوب به اهل بیت علیهم‌السلام

قاضی نعمان برای ساماندهی روایات اهل بیت علیهم‌السلام، به منابعی تکیه کرده که آن‌ها را کتب منسوب به اهل بیت علیهم‌السلام نامیده است. او برخی از این کتاب‌ها را از طریق سماع، مناووله، اجازه، و برخی آثار مشهور و معروف را از طریق وجاده به دست آورد.^۱ از نگاه قاضی نعمان، روایات موجود در این کتاب‌ها مشکل صدوری ندارند و مشکل در ناحیه کشف مراد شریعت و فهم قول ثابت و صحیح است. به بیان دیگر، روایات موجود در این کتاب‌ها، همگی از اهل بیت علیهم‌السلام صادر شده‌اند و تنها اختلافات روات در نقل، سبب ایجاد شبهه برای برخی مردم گردیده است. به همین دلیل، پس از گردآوری، تنظیم و تبویب روایات این کتاب‌ها در یک مجموعه مفصل با نام الايضاح، رسالت اصلی خود را بیان قول ثابت براساس روایات این کتاب قرار داد.

نکته حائز اهمیت این است که وی در مقام بیان عملکرد خود برای سامان دهی روایات، به جداسازی روایات صحیح از جعلیات اشاره نکرده است. به همین دلیل، این فرضیه قابل طرح است که او همه مطالب موجود در این کتاب‌ها را از حیث صدور معتبر می‌داند. به بیان دیگر، از نگاه او، همین که وجود روایتی در کتب منسوب به اهل بیت علیهم‌السلام ثابت شود، شایسته اعتماد است و در مجموعه مستندات احکام وارد می‌شود؛ به طوری که در بیان قول ثابت، حتماً باید به آن توجه شود. این فرضیه را می‌توان با شواهدی تقویت نمود.

نخست، آن که هدف نعمان در الايضاح، ذکر روایات اجماعی و اختلافی، مطابق با روایت راویان است. وی در این باره می‌گوید:

ذکرت ما أجمعوا عليه و ما اختلفوا فيه على ما أدها الرواة إلینا لم أعد قولهم، و بینت الثابت

من ذلك بالدلائل والبراهین.^۲

براساس این عبارت، او تمام روایات راویان این کتاب‌ها را در الايضاح ذکر نموده است. از

۱. رک: الاقتصار، ص ۱۰.

۲. همان.

سویی، بنای او در الایضاح بر ذکر روایات معتبر است؛ چون باید در بیان قول ثابت مد نظر قرار گیرند. از این رو، وجود روایت در این کتاب‌ها را معتبر دانسته است.

شاهد دیگر، این است که در الایضاح، برای ترجیح قول ثابت، بحث سندی نمی‌کند. او بر اساس قراین محتوایی به جمع بین روایات می‌پردازد و تا حد امکان روایات را رد نمی‌کند. بر اساس جستجوی نگارنده، تنها جایی که وی به سند اهمیت می‌دهد، جایی است که روایت اهل بیت علیهم‌السلام توسط راوی عامی مذهب گزارش شده و روایت او مخالف با سایر روایات باشد. در این صورت، آن را صحیح ندانسته و از نقل آن خودداری می‌کند.^۱ این در حالی است که برخی روایات موجود در کتب منسوب به اهل بیت علیهم‌السلام را، با وجود شبهه انگیزی و در پی داشتن طعن مخالفان مذهب، صحیح دانسته و آن‌ها را نقل نموده است. از نگاه نعمان، این گونه روایات - که مخالفت ظاهری با کتاب و سنت و اجماع دارند - «مشکل» نامیده می‌شوند و فقط درک آن‌ها محتاج تفسیر و توضیح است؛ به عنوان نمونه، در مسأله ارث، روایاتی با این خصوصیت نقل شده است که در دعائم الاسلام، مطابق فهم خود، از مراد واقعی آن‌ها پرده برداری کرده است.^۲

شاهد دیگر، این است که او هر مطلبی را که در کتب منسوب به اهل بیت علیهم‌السلام پیدا نشود، فاقد اعتبار می‌داند و به آن تمسک نمی‌کند. از همین رو، در موارد متعدد، وقتی مطلبی را معتبر نداند، درباره آن می‌نویسد:

لم أرَ فيما صار إلى من الكتب المنسوبة إلى أهل البيت.^۳

همچنین در بسیاری از احکام، به خاطر ندیدن روایت مخالف در این کتاب‌ها، به اجماع حکم می‌کند و می‌نویسد:

أجمع الرواة عن أهل البيت علیهم‌السلام في ما علمتُ ورأيتُه في ما صار إلى من الكتب المنسوبة إلى أهل البيت علیهم‌السلام.^۴

از این نمونه‌ها می‌توان به اعتماد مؤلف بر این کتاب‌ها و پذیرش صدور روایات موجود در

۱. درباره خواندن نماز، بعد از نماز صبح تا زوال خورشید، به اتفاق راویان اهل بیت علیهم‌السلام اشاره نموده است که آن را مکروه می‌دانند. در مقابل این اتفاق نظر، به روایت یک راوی عامی اشاره کرده و می‌نویسد: «به روایت او اعتنا نمی‌شود» (رک: الایضاح، ص ۴۱).

۲. رک: دعائم الاسلام، ج ۲ ص ۳۹۳.

۳. رک: الایضاح، ص ۴۹، ۷۱ و ۱۳۸.

۴. همان، ص ۴۶، ۵۷، ۶۵ و ...

آن‌ها نزد وی پی برد. به همین دلیل است که در موارد فراوان، با وجودی که محتوای روایتی را ثابت نمی‌داند، آن را در الايضاح ذکر می‌کند.

با توجه به مفقود بودن بخش زیادی از الايضاح، در حال حاضر امکان تهیه فهرست کامل از کتبی که قاضی نعمان با عنوان کتب منسوب به اهل بیت از آن‌ها یاد می‌کند، وجود ندارد. بر اساس بخش باقی مانده از الايضاح، مصادر مورد استفاده قاضی نعمان (در این کتاب) را در سه دسته می‌توان قرار داد:

کتاب‌هایی که مؤلفان آن‌ها از دیدگاه عالمان امامیه، به فساد مذهب متهم نشده‌اند، نظیر کتب جعفریه،^۱ کتاب الصلاة حماد بن عیسی،^۲ کتاب المسائل علی بن جعفر،^۳ کتاب محمد بن مسلم،^۴ کتاب المسائل عبید الله بن علی حلبی،^۵ جامع علی بن اسباط.^۶

۱. کتاب‌هایی که مؤلفان آن‌ها از عالمان زیدیه به شمار می‌آیند، نظیر کتب محمد بن سلام،^۷ جامع غیاث بن ابراهیم.^۸

۲. کتاب‌های ناشناخته که در منابع متقدم از مؤلفان آن‌ها یاد نشده است، نظیر کتاب الصلاة من روایة ابي ذر،^۹ المسند،^{۱۰} کتب علی بن الحسین بن ورسند.^{۱۱}

۱. الفهرست، ص ۴۶، رقم ۳۱.

۲. رجال النجاشی، ص ۱۴۲، رقم ۳۷۰.

۳. الفهرست، ص ۱۵۱، رقم ۳۷۷.

۴. رجال النجاشی، ص ۳۲۳، رقم ۸۸۲.

۵. همان، ص ۲۳۰، رقم ۶۱۲.

۶. همان، ص ۲۵۲، رقم ۶۶۳.

۷. در اسناد روایاتی که از کتب محمد بن سلام نقل شده، از افرادی نظیر محمد بن منصور مرادی، احمد بن عیسی بن زید، عبد الله بن موسی و عبد الله بن حسن مثنی یاد شده است که همگی از بزرگان زیدیه به شمار می‌آیند. از سویی، برخی اسناد موجود در این کتب، از سند های مشهور نزد زیدیه به شمار می‌آیند؛ نظیر «محمد بن سلام، عن زید بن أحمد بن اسماعیل، عن خاله زید بن الحسین، عن ابي بكر بن عبد الله بن ابي اویس، عن حسین بن عبد الله بن ضمیر، عن ابیه، عن جده، عن امیر المؤمنین (علیه السلام)» که در کتاب الأحکام فی الحلال و الحرام تألیف امام یحیی بن الحسین مکرر آمده است.

۸. شیخ طوسی او را از بتریه دانسته است که گروهی از زیدیه هستند (رجال الطوسی، ص ۱۴۲، رقم ۱۵۴۲). قاضی نعمان در الايضاح، کتاب غیاث بن ابراهیم را به روایت اسماعیل بن ابان نقل نموده است (الايضاح، ص ۸۱). در امالی احمد بن عیسی نیز، محمد بن منصور مرادی از کتاب غیاث بن ابراهیم، به روایت اسماعیل بن ابان، اخباری را نقل کرده است.

۹. رک: همان، ص ۴۱، ۷۵، ۱۳۷، ۱۴۲، ۱۴۵ و

۱۰. رک: همان، ص ۳۳، ۸۸، ۹۰، ۱۱۴، ۱۳۹.

۱۱. رک: همان، ص ۶۲، ۶۹.

با توجه به این دسته بندی، منابع معتبر نزد قاضی نعمان، فراتر از میراث شناخته شده نزد امامیه است. آنچه قاضی نعمان با عنوان کتب منسوب به اهل بیت علیهم السلام از آن‌ها یاد نموده، شامل برخی منابع غیر معتبر نزد عالمان امامیه نیز می‌شود؛ چنان که او در موارد متعدد، قول ثابت را از روایاتی برگزیده که محتوای آن‌ها، با معارف مسلم و قطعی نزد امامیه مخالفت دارد. مضمون برخی از این روایات، عبارت اند از: حلال بودن گوشت خرگوش، جواز خوردن از صید پرندگان، جواز نحرگاو، تحقق حرمت رضاعی با یک بار مکیدن، واگذاری اختیار طلاق به زن، حرمت متعه و ...^۱ شاید به خاطر وجود این گونه روایات است که علامه مجلسی، اخبار دعائم الاسلام را فقط شایسته مؤید بودن دانسته است.^۲

بررسی تطبیقی روایات دعائم الاسلام با روایات امامیه حاکی از آن است که مؤلف، عمدتاً از منابع معتد نزد امامیه بهره گرفته است. به همین دلیل، تا زمانی که اخبار موجود در آثار او، با مسلمات امامیه مخالف نباشند، می‌توان از آن‌ها به عنوان مؤید و مکمل معارف امامیه استفاده نمود.

۲-۵. عرضه حدیث بر خلیفه فاطمی

برخی از نویسندگان اسماعیلی بر این باور هستند که قاضی نعمان، تمام تالیفات خویش را بر خلیفه فاطمی (امام خویش) عرضه داشته و توسط وی، به تصحیح روایات و مطالب کتاب‌های خود پرداخته است.^۳ در نوشته‌های مؤلف، مطلبی مبنی بر عرضه همه روایات کتاب‌هایش بر خلیفه فاطمی و تصحیح آن‌ها به وسیله او نیافتیم و فقط در مورد روایات شرح الاخبار تأکید کرده که همه را بر معز فاطمی (امام اهل بیت از منظری) عرضه نموده و هر چه او نادرست و جعلی دانسته، از کتابش حذف نموده است.^۴ این سخن بدان معنا است که وی به باور خود، تلاش علمی خود را با عرضه به خلیفه (امام)، از مطالب نادرست و جعلی پیراسته است.

بر فرض که قاضی نعمان تمام آثار خود را با نظارت مستقیم خلیفه نوشته باشد، در این صورت، بر پایه عقیده وی، با عرضه حدیث بر خلیفه، نه تنها روایات از جهت صدور تصحیح می‌گردند،

۱. برای نمونه، رک: دعائم الاسلام، ج ۲ ص ۱۲۳، ۱۷۰، ۱۸۰، ۲۲۹، ۲۴۰ و ۲۶۸.

۲. بحار الانوار، ج ۱ ص ۳۸.

۳. رک: فهرسة الكتب و الرسائل، ص ۳۲؛ تاریخ الخلفاء الفاطميين بالمغرب، ص ۵۵۹.

۴. شرح الاخبار، ج ۱ ص ۸۷.

بلکه از جهت مضمون نیز، صحت آن ثابت می‌شود^۱ و نیازی به آوردن برهان و استدلال برای قول ثابت نخواهد بود؛ در حالی که روش او در الايضاح، آوردن استدلال برای بیان قول ثابت و جمع بین روایات است. پس به نظر می‌رسد این سخن قاضی (عرضه و تصحیح)، جنبه تعارف دارد؛ چرا که در عمل، دیدگاه خلیفه را معیار تصحیح اخبار قرار نداده است.

تأمل در عبارات الايضاح نشان می‌دهد که هر چند مؤلف در بیان قول ثابت، گاهی به سیره و عمل خلیفه فاطمی (امام اسماعیلیه) نظر دارد، ولی اخبار مخالف روش خلیفه را کنار نمی‌نهد؛ بلکه گاهی با توضیح معانی اخبار، اختلاف را برطرف می‌کند^۲ و گاهی اجماع روایات اهل بیت علیهم‌السلام را، بر قولی که به خلیفه فاطمی منسوب است، ترجیح می‌دهد.^۳ به طوری کلی قاضی نعمان در بخش موجود الايضاح، نزدیک به پنج مرتبه به روش خلفای فاطمی در مسائل اشاره نموده که نشان‌گر آن است که در بیان قول ثابت، نیم‌نگاهی به سیره عملی خلیفه دارد؛ در عین حال، هرگز دیدگاه‌های ایشان را به عنوان معیار صحت خبر در ذیل روایات اهل بیت علیهم‌السلام مطرح نکرده است.

در دعائم الاسلام، توجه به سیره و گفتار خلیفه به مراتب کمتر از الايضاح است؛ به طوری که در برخی موارد، در یک مسأله، دیدگاه خلیفه را در الايضاح یادآور شده، ولی در دعائم، در همان مسأله، اشاره‌ای به قول خلیفه نکرده است.^۴ البته در موارد اندکی، در ذیل روایات اهل

۱. قاضی نعمان در کتاب شرح الاخبار، خصوصیات را درباره خلیفه بیان نموده که براساس آن‌ها خلیفه به مضامین صحیح روایات آگاه است (رک: شرح الاخبار، ج ۱ ص ۸۷).

۲. به عنوان نمونه، براساس سیره خلیفه، همراه با هر نماز واجب، نافله ای باید خوانده شود که از ترک آن نهی شده است. از سویی، در اخبار آمده است که در هنگام نماز واجب، خواندن نافله واجب نیست. قاضی نعمان درباره این اخبار می‌نویسد: «لها معان علی غیر ذلک، سنذکرها والوجه فیها ان شاء الله» (الایضاح، ص ۴۲).

۳. درباره کسی که از روی جهل، نمازش را قبل از وقت بخواند، اجماع بر وجوب اعاده نمازی است که پیش از وقت خوانده شده است. خبری به او رسیده که یکی از خلفای فاطمی، خواندن نماز قبل از وقت از روی جهل را جایز می‌داند. از نگاه قاضی، این قول صحیح نیست. به همین دلیل، این قول را ناشی از اشتباه راوی خبر دانسته و می‌نویسد: «ما اجتمع علیه الرواة عن اهل البيت علیهم‌السلام و دخل علیه النظر اولی و أحق أن یتبع» (همان، ص ۵۷). این در حالی است که با وجود دسترسی به خلیفه زمان خود، امکان بررسی قول خلیفه قبلی وجود دارد. بنابراین، عرضه بر خلیفه معیار وی برای تشخیص روایات صحیح نیست.

۴. به عنوان مثال، از نگاه خلیفه فاطمی، همراه با هر نماز فریضه، نافله ای است که ترک آن جایز نیست. نعمان به این قول در کتاب الايضاح اشاره نموده است. وی پس از اشاره به قول خلیفه می‌افزاید: «و قد جاءت الاخبار یدل ظاهرها علی أن وقت الفریضه إذا دخل لم یجب علی المصلی أن یصلی نافله». در دعائم الاسلام، اشاره ای به دیدگاه خلیفه در این مسأله نکرده و فقط روایاتی که بر عدم وجوب نافله دلالت دارند را ذکر نموده و در مورد آن‌ها توضیحاتی داده است (رک: همان، ص ۴۲؛ دعائم الاسلام، ج ۱ ص ۱۴۰).

بیت علیه السلام، به قول یا سیره خلیفه اشاره کرده است که به نظر می‌رسد هدف او تصحیح قول خلیفه و برطرف ساختن شائبه مخالفت آن با قول ائمه علیهم السلام است؛ به عنوان نمونه، درباره خوردن از صید کلب و طیور، پس از ذکر روایاتی از امام باقر و امام صادق علیهما السلام، به قول خلیفه فاطمی المهدی بالله اشاره نموده و می‌نویسد:

لیس فی قوله هذا خلاف لما ذکرناه عن آبائه علیهم السلام، لأئمتهم لم یرخصوا إلا فیما أمسک الکتب المعلم السالم...^۱

نمونه‌هایی از این دست نشان می‌دهند او در دعائم الاسلام، موافقت با قول ائمه علیهم السلام را معیار صحت دیدگاه خلیفه فاطمی قرار داده است؛ نه این که قول خلیفه فاطمی معیار صحت روایات ائمه علیهم السلام باشد.

براین اساس، نمی‌توان از عرضه حدیث برخلیفه، به عنوان معیار تصحیح حدیث در اندیشه قاضی نعمان یاد کرد. آنچه در مورد عرضه کتب نعمان بر امامان فاطمی گفته شده، ظاهراً به معنای آن است که وی پس از تنظیم کتاب‌های خود، مطالب را از باب احترام به مقام معنوی خلیفه، به وی عرضه داشته تا نشر کتاب، با تأیید خلیفه باشد. هر چند ممکن است به سلیقه خلیفه چیزی از کتاب حذف یا به آن اضافه شده باشد، ولی تصحیح تمام احادیث با نظر خلیفه، نه تنها شاهی ندارد، بلکه قراینی برخلاف آن در دست است.

۶. معیارهای برگزیدن قول ثابت

از آنجا که مهم‌ترین هدف قاضی نعمان از نگارش تألیفاتی نظیر الايضاح و دعائم الاسلام برگزیدن قول ثابت است، بسیاری از معیارهایی که در کلمات او برای سنجش احادیث مطرح شده، مربوط به شناخت قول ثابت است. او در ساماندهی روایات، از یک سو با مجموعه‌ای از روایات مواجه بوده که نسبت به صدور آن‌ها اطمینان داشته و از دیگر سو در میان این مجموعه، اختلافاتی مشاهده نموده که در تشخیص دیدگاه واقعی اهل بیت علیهم السلام مشکل ساز بوده‌اند. از همین رو، برای تشخیص قول ثابت از میان روایات اختلافی،

۱. دعائم الاسلام، ج ۲ ص ۱۶۹. همچنین در باب مواقیت الصلاة، پس از بیان روایاتی پیرامون وقت نماز ظهر و عصر می‌نویسد: «والذی علیه العمل فیما شاهد الناس و یؤذن للأئمة صلوات الله علیهم أن یؤذن للعصر فی أول الساعة التاسعة. و ذلک بعد الزوال بساعتین کاملتین، و هو یشبه ما رویناه من صلاة أبی جعفر محمد بن علی صلوات الله علیه...» (دعائم الاسلام، ج ۱ ص ۱۳۸). مراد از ائمه در این عبارت، خلفای فاطمی هستند که به شباهت سیره آن‌ها در مورد اذان، با سیره امام باقر علیه السلام اشاره کرده است.

چارچوب‌هایی را معیار قرار داده و براساس آن‌ها دیدگاهی را برگزیده است. مهم‌ترین معیارهای قاضی نعمان برای تشخیص قول ثابت عبارت اند از: موافقت خبر با اجماع راویان اهل بیت علیهم‌السلام^۱، هماهنگی خبر با سنت قطعی پیامبر و ائمه علیهم‌السلام^۲، موافقت خبر با قواعد کلی حاکم بر احکام^۳ و موافقت خبر با عمل اهل شریعت.^۴ از این معیارها زمانی استفاده نموده که با وجود اطمینان به صدور روایات، با اختلاف راویان مواجه شده است.

نتیجه

مهم‌ترین نتایج بررسی اندیشه قاضی نعمان در حوزه اعتبارسنجی روایات عبارت اند از:

۱. نخستین و مفصل‌ترین کتاب وی در حوزه فقه روایی، کتاب الايضاح است. از نگاه قاضی نعمان تمام روایات موجود در این کتاب، روایات صحیح هستند؛ به طوری که باید به عنوان مستند احکام ثابت شریعت مد نظر باشند.
۲. قاضی نعمان، به انگیزه نگارش قانون عملی دولت اسماعیلی فاطمیون، چکیده‌ای از روایات الايضاح را، با عنوان دعائم الاسلام به نگارش آورد. به دلیل اعتماد بر الايضاح، متن دعائم الاسلام را به صورت مرسل گزارش نموده است.
۳. در اندیشه قاضی نعمان، ثابت بودن روایت با صحیح بودن آن تفاوت دارد. او برای اشاره به اعتبار روایت و صحت صدور آن، از واژه صحیح استفاده می‌کند؛ ولی برای اشاره به وظیفه عملی و صحت مضمونی، از واژه ثابت بهره می‌گیرد.
۴. مهم‌ترین معیار وی برای اطمینان به صدور روایات، وجود روایت در کتاب‌های شیعیان است که در دسترس وی بوده‌اند. در حال حاضر به دلیل مفقود بودن بخش عمده الايضاح، امکان دست‌یابی کامل به منابع روایات موجود در آثار قاضی نعمان وجود ندارد. با توجه به این که در مجموعه آثار معتمد نزد او، افزون بر منابع امامیه و زیدیه، شماری از منابع ناشناخته به چشم می‌خورد، نمی‌توان نسبت به صحت صدور تمام روایات موجود در آثار قاضی نعمان اطمینان حاصل نمود.
۵. هر چند نگارش و نشر آثار قاضی نعمان به تشویق خلفای فاطمی (امامان اسماعیلیه)

۱. رک: الايضاح، ص ۵۷، ۷۵، ۸۸، ۱۱۹ و ...

۲. همان، ص ۴۸، ۶۲، ۸۵، ۱۰۹، ۱۱۶ و ۱۶۱.

۳. همان، ص ۳۱، ۵۷، ۷۲ و ۸۳.

۴. همان، ص ۷۱، ۷۵، ۸۶، ۱۲۲ و ۱۳۸.

صورت گرفته است، ولی براساس قراین موجود، نمی توان از عرضه حدیث بر خلیفه، به عنوان معیار تصحیح حدیث در اندیشه قاضی نعمان یاد نمود.

کتابنامه

- الاقتصار، نعمان بن محمد (قاضی نعمان)، تحقیق: عارف تامر، بیروت: دار الاضواء، ۱۹۹۶م.
 الايضاح، نعمان بن محمد (قاضی نعمان)، بیروت: مؤسسة الأعلمی، اول، ۱۴۲۸ق.
 بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، بیروت: مؤسسه الوفاء، دوم، ۱۴۰۳ق.
 تاریخ الخلفاء الفاطمیین بالمغرب، عماد الدین ادريس، تحقیق: محمد الیعلوی، بیروت: دار المغرب الاسلامی، ۱۹۸۵م.
 تاریخ و اندیشه های اسماعیلی در سده های میانه، فرهاد دفتری، ترجمه: فریدون بدره ای، تهران: فرزانه روز، ۱۳۸۱ش.
 الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، یوسف بن احمد بحرانی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۵ق.
 خاتمة مستدرک الوسائل، حسین بن محمد تقی نوری، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، اول، ۱۴۱۶ق.
 درس نامه تاریخ و عقاید اسماعیلیه، مهدی فرمانیان، قم: ادیان، ۱۳۸۹ش.
 دعائم الاسلام، نعمان بن محمد (قاضی نعمان)، تحقیق: آصف فیضی، القاهرة: دار المعارف، ۱۳۸۳ق.
 شرح الاخبار فی فضائل أئمة الأطهار، نعمان بن محمد (قاضی نعمان)، تحقیق: السيد محمد الحسینی الجلالی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، اول، ۱۴۱۴ق.
 الفهرست، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: جواد القیومی، قم: مؤسسه نشر الفقاهة، اول، ۱۴۱۷ق.
 فهرست اسماء مصنفی الشيعة، أحمد بن علی نجاشی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۶ق.
 فهرسة الكتب و الرسائل، إسماعیل بن عبد الرسول مجدوع، تحقیق: علی نقی منزوی، تهران: مکتبه الأسدی، ۱۹۶۶م.
 الفوائد الرجالية، محمد مهدی بحر العلوم، تحقیق: محمد صادق بحر العلوم، تهران: مکتبه الصادق، ۱۳۶۳ش.

- الكافی، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهرآن: دار الکتب الإسلامیة، سوم، ۱۳۶۳ش.
- كتاب الصلاة، محمد علی اراکی، قم: مکتب المؤلف، ۱۴۲۱ق.
- كشف الظنون عن أسامی الکتب و الفنون، مصطفی بن عبد الله حاجی خلیفة، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
- المجالس و المسایرات، نعمان بن محمد (قاضی نعمان)، تحقیق: الحبیب الفقی و إبراهیم شتّوح و محمد الیغلاوی، بیروت: دار المنتظر، اول، ۱۹۹۶م.
- مشرق الشمسین و إکسیر السعادتین، محمد بن الحسین بن عبد الصمد (شیخ بهایی)، قم: مکتبة بصیرتی، ۱۳۹۸ق.
- مصادر الأدب الإسماعیلیة، اسماعیل پونا والا، کالیفورنیا، ۱۹۷۷م.
- مصباح الفقاهة، ابوالقاسم خوئی، قم: مکتبة الداوری، اول، بی تا.
- معالم العلماء، محمد بن علی ابن شهر آشوب، بی جا، ۱۳۸۰ق.